فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 **Article Cod:** SH25R95721 **ISSN-P:** 2676-6442

آثار منفی مجازات حبس و زندان در سیستم جامعه شناسی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

روح الله شیرزادی

قاضی دادگستری

چکیده

مجازات حبس در ایران، علاوه بر کارکرد رسمیِ «کیفر و بازدارندگی»، در عمل به تولید و بازتولید مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی در سطح فرد، خانواده، جامعه محلی و نهادهای عدالت کیفری منجر می‌شود. از منظر جامعه‌شناختی، زندان صرفاً یک «مکان» نیست، بلکه یک سازوکار نهادیِ قدرتمند است که با برچسب‌زنی، گسست پیوندهای اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، تعمیق فقر و طرد اجتماعی، و تضعیف فرصت‌های ادغام مجدد (بازپذیری) می‌تواند چرخه بزهکاری را تداوم بخشد. شواهد پژوهشی در ایران نشان می‌دهد خانواده زندانیان به‌طور معناداری در معرض فشار اقتصادی، فرسایش انسجام خانوادگی، انگ اجتماعی و پیامدهای سلامت روان قرار دارد، برای نمونه در یک مطالعه درباره خانواده‌های زندانیان در تهران، افزایش انگ با کاهش کیفیت روابط خانوادگی و افت سلامت روان همراه گزارش شده است .در سطح کلان‌تر، تراکم جمعیت کیفری، ضعف برنامه‌های بازپروری، و وابستگی سیاست کیفری به حبس به‌ویژه در جرائم غیرخشونت‌آمیز می‌تواند هزینه‌های اجتماعی و مالی سنگینی بر جامعه تحمیل کند. همچنین گزارش های بین المللیِ جدید بر ضرورت توسعه بدیل‌های حبس و محیط های بازپرورانه تأکید دارند و نشان می‌دهند پیامدهای سلامت روان و خودکشی در زندان‌ها یک نگرانی جدی است .این مقاله با رویکرد تحلیلی-کتابخانه‌ای و تکیه بر مبانی نظریِ جامعه‌شناسی انحرافات و جرم، به تبیین ابعاد اصلی آثار منفی حبس در ایران پرداخته و در پایان، محدودیت‌ها و پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی برای کاهش «حبس‌محوری» ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: حبس، زندان، انگ اجتماعی، خانواده زندانیان، سرمایه اجتماعی، بازپذیری اجتماعی، بدیل‌های حبس

بخش اول: مقدمه

حبس در سده اخیر به یکی از رایج‌ترین ابزارهای واکنش نظام عدالت کیفری به جرم تبدیل شده است. در نگاه کلاسیک حقوقی، زندان می‌تواند کارکردهایی مانند تنبیه، ارعاب، بازدارندگی، ناتوان‌سازی مجرم و اصلاح داشته باشد. اما جامعه‌شناسی جرم و انحراف، زندان را نهادی می‌بیند که علاوه بر کنترل، می‌تواند «تولیدکننده پیامدهای ناخواسته» باشد، پیامدهایی که گاه از خود جرم اولیه گسترده‌تر و پایدارترند و حوزه‌های متفاوتی از زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ایران نیز حبس به دلایل مختلف از جمله سهولت اجرایی، سنت قضاییِ مبتنی بر مجازات‌های سالب آزادی، و محدودیت ظرفیتِ نهادی برای اجرای بدیل‌ها همچنان جایگاه محوری دارد. در کنار این وضعیت، پژوهش‌های داخلی و گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که زندان می‌تواند آثار عمیقی بر خانواده زندانی، شبکه‌های حمایتی، اشتغال، سلامت روان، و نهایتاً احتمال بازگشت به جرم برجای گذارد. برای نمونه، یک مطالعه درباره پیامدهای زندانی‌شدن بر خانواده‌ها در ایران بر طیفی از پیامدهای فردی، اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند و حتی برآوردهایی از گستره جمعیتیِ متأثر از زندان ارائه می‌دهد .

هدف این مقاله آن است که با رویکرد جامعه‌شناختی، «آثار منفی مجازات حبس در ایران» را در قالب یک تحلیل منسجم توضیح دهد، سازوکارهای شکل‌گیری این پیامدها را روشن کند، و در نهایت با تکیه بر استانداردها و تجربه‌های بین‌المللیِ بدیل‌های حبس، مسیرهای واقع‌بینانه کاهش آسیب را پیشنهاد دهد (مانند قواعد توکیو درباره اقدامات غیرسالب آزادی) .

بخش دوم: بیان مسئله، اهمیت و ضرورت

الف) بیان مسئله

مسئله اصلی این است که حبس، به‌عنوان واکنش کیفری غالب، در کنار مجازات مجرم، شبکه‌ای از پیامدهای منفی اجتماعی را نیز تولید می‌کند، پیامدهایی که می‌توانند به «بی‌ثباتی خانواده»، «طرد اجتماعی»، «تشدید فقر»، «کاهش سرمایه اجتماعی»، «تضعیف اعتماد نهادی»، و «بازگشت به جرم» بینجامند. از این رو، سیاست کیفریِ حبس‌محور ممکن است در بلندمدت، نه تنها جرم را کاهش ندهد، بلکه با افزودن محرک‌های ساختاریِ بزهکاری، چرخه جرم را بازتولید کند. در ایران، این مسئله در چند سطح خود را نشان می‌دهد:

سطح فردی :زندانی‌شدن با برچسب اجتماعی، کاهش مهارت‌های شغلی، «زندان‌پذیری « (prisonization)، آسیب‌های روانی و قطع پیوندهای زندگی روزمره همراه می‌شود.

سطح خانوادگی :خانواده زندانی با کاهش درآمد، فشار روانی، انگ و تزلزل روابط مواجه است، یافته‌های پژوهشیِ جدید در ایران نیز پیوند انگ با افت روابط خانوادگی و سلامت روان را تأیید می‌کند .

سطح اجتماعی و نهادی :تمرکز بر حبس، ظرفیت نظام عدالت را مصرف می‌کند، ازدحام و کم‌اثری برنامه‌های اصلاحی را تشدید می‌سازد و هزینه‌های عمومی را افزایش می‌دهد.

سطح سیاست‌گذاری :در حالی که در حقوق ایران «مجازات‌های جایگزین حبس» پیش‌بینی شده، اجرای آن‌ها با چالش‌های قانونی/اجرایی مواجه است و نیازمند بازنگری نهادی و رویه‌ای است .

ب)اهمیت و ضرورت

اهمیت بررسی جامعه‌شناختی آثار منفی زندان در ایران از چند جهت است:

۱. ابعاد گسترده اثرگذاری :زندان تنها زندانی را درگیر نمی‌کند، خانواده، شبکه خویشاوندی، محله و حتی فرصت‌های آینده فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد .

۲. کاهش کارایی بازدارندگی :اگر حبس به جای اصلاح، زمینه‌های بازگشت به جرم را تقویت کند، کارایی سیاست کیفری کاهش می‌یابد و جامعه هزینه بیشتری می‌پردازد.

۳. همسویی با استانداردهای جهانی :اسناد بین‌المللی بر توسعه بدیل‌های حبس و مشارکت جامعه در مدیریت عدالت کیفری تأکید دارند .

۴. حساسیت‌های سلامت روان و کرامت انسانی :داده‌های جهانی از آسیب‌پذیری شدید سلامت روان در زندان‌ها حکایت دارد .

بخش سوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای تحلیل پیامدهای حبس در ایران، سه خوشه نظریِ مکمل به‌کار گرفته می‌شود: نظریه‌های انگ/برچسب‌زنی، نظریه‌های سرمایه اجتماعی و پیوندهای اجتماعی، و رویکردهای نهادی و انتقادی درباره زندان.

۱-نظریه برچسب‌زنی و انگ اجتماعی

نظریه برچسب‌زنی (Becker) توضیح می‌دهد که واکنش اجتماعی به جرم می‌تواند هویت فرد را به «مجرم» تقلیل دهد و فرصت‌های عادی زندگی (اشتغال، ازدواج، روابط اجتماعی) را محدود کند. در این چارچوب، زندان کارخانه تولید انگ است: فرد پس از آزادی با موانع ساختاری و فرهنگی مواجه می‌شود و همین طرد اجتماعی می‌تواند به «انحراف ثانویه» بینجامد. پژوهش جدید درباره خانواده زندانیان در تهران نشان می‌دهد که افزایش انگ با کاهش کیفیت روابط خانوادگی و کاهش سلامت روان همراه است .این یافته با منطق نظریه برچسب‌زنی هم‌خوان است: انگ، نه فقط زندانی، بلکه خانواده را نیز درگیر می‌کند و شبکه حمایت اجتماعی را فرسایش می‌دهد.

۲-سرمایه اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی

در نظریه پیوند اجتماعی (Hirschi) و ادبیات سرمایه اجتماعی(Bourdieu/Putnam) ، کیفیت روابط، تعلق اجتماعی، مشارکت و اعتماد نقش محافظتی در برابر بزهکاری دارند. زندان با قطع پیوندهای شغلی و خانوادگی، کاهش تعاملات مثبت و انتقال فرد به شبکه‌های پرخطر، می‌تواند سرمایه اجتماعی را کاهش دهد و کنترل‌های غیررسمی را تضعیف کند. از این منظر، زندان نه‌تنها فرد را «موقتاً از جامعه جدا می‌کند» بلکه امکان بازگشت او به شبکه‌های سالم را نیز محدود می‌سازد.

۳-زندان‌پذیری و جامعه‌پذیری در محیط بسته

مفهوم prisonization (Clemmer)به فرآیند درونی‌سازی هنجارهای غیررسمی زندان اشاره دارد، یعنی فرد برای بقا در محیط بسته، الگوهای رفتاری خاصی را می‌آموزد که پس از

آزادی، با زندگی عادی ناسازگار می‌شود. این ناسازگاری به مشکل اشتغال، تعارض خانوادگی و حتی بازگشت به جرم دامن می‌زند.

٤-رویکردهای انتقادی و نهادی (فوکو و منطق قدرت/انضباط)

در رویکرد فوکویی، زندان بخشی از فناوری‌های انضباطی و مدیریت بدن/رفتار است. این نگاه کمک می‌کند بفهمیم چرا زندان گاهی بیش از آنکه «اصلاح» کند، «کنترل» و «حاشیه‌رانی» را بازتولید می‌کند، به‌ویژه وقتی سازوکارهای حمایتی پس از آزادی ضعیف باشند و جامعه ظرفیت پذیرش مجدد را نداشته باشد.

بخش چهارم: پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی بر پیامدهای چندلایه زندان بر خانواده تأکید کرده‌اند، از جمله مطالعه‌ای که مجموعه پیامدهای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی زندانی‌شدن بر خانواده‌ها را برجسته می‌کند . مطالعه دیگری در ایران نشان داده است انگ چگونه با افت روابط خانوادگی و سلامت روان خانواده‌های زندانیان هم‌بسته است . در سطح جهانی نیز گزارش‌های جدید بر روندهای جمعیتی و پیامدهای سلامت روان در زندان‌ها و ضرورت حرکت به سمت محیط‌های بازپرورانه و بدیل‌های حبس تأکید می‌کنند . اسناد هنجاری سازمان ملل مانند قواعد توکیو، استفاده از اقدامات غیرسالب آزادی را برای کاهش اتکای بیش‌ازحد به زندان توصیه می‌کنند .همچنین قواعد بانکوک به‌طور خاص بر نیازهای زنان زندانی و بدیل‌های حبس برای زنان تأکید دارد .

۱-روش‌شناسی

این مقاله از نوع مروری-تحلیلی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای/اسنادی است. داده‌ها از سه دسته منبع استخراج و تحلیل شده‌اند:

۱. پژوهش های علمی مرتبط با پیامدهای زندان در ایران (با تمرکز بر خانواده، انگ، و پیامدهای اجتماعی)،

۲. گزارش‌ها و استانداردهای بین‌المللی درباره سیاست‌های حبس‌زدایی و سلامت/بازپروری در زندان،

۳. داده‌های توصیفیِ موجود درباره وضعیت زندان‌ها و جمعیت کیفری (به‌عنوان زمینه تحلیل). برای نمونه، پایگاه‌های داده‌ای مانند World Prison Brief برای ترسیم زمینه کمی مورد استفاده قرار می‌گیرند .

راهبرد تحلیل، «تحلیل مضمون (Thematic Analysis) «است: پیامدهای منفی حبس در چند خوشه اصلی (فردی، خانوادگی، اجتماعی-اقتصادی، نهادی و سیاستی) طبقه‌بندی شده و سپس با مبانی نظری پیوند داده می‌شوند.

۲-بحث و یافته‌ها

- **ابعاد و سازوکارهای آثار منفی حبس در ایران**

الف)پیامدهای فردی: شکاف هویتی، آسیب روانی و کاهش ظرفیت زندگی عادی

الف) انگ و هویت مجرمانه

حبس به‌مثابه یک «نشان اجتماعی» عمل می‌کند. فرد پس از آزادی، حتی اگر از نظر حقوقی دوره محکومیت پایان یافته باشد، از نظر اجتماعی ممکن است همچنان «زندانی سابق» تلقی شود. این برچسب می‌تواند احتمال طرد، خودسرزنشی و کاهش اعتمادبه‌نفس را افزایش دهد.

ب) سلامت روان و فرسایش امید اجتماعی

زندان در بسیاری از موارد با فشارهای روانی (اضطراب، افسردگی، تجربه خشونت، و تنش‌های مزمن) همراه است. گزارش UNODC (۲۰۲۵) نشان می‌دهد خودکشی در زندان‌ها یک مسئله قابل توجه است و نرخ‌های ثبت‌شده در برخی داده‌ها بسیار بالاست .حتی اگر این آمار جهانی باشد، برای تحلیل ایران نیز هشداردهنده است: هر جا زندان به محیطی غیر بازپرورانه تبدیل شود، هزینه‌های سلامت روان افزایش می‌یابد.

پ) زندان‌پذیری و دشواری بازگشت

محیط زندان فرد را به مجموعه‌ای از قواعد غیررسمی و روابط قدرت عادت می‌دهد. این امر می‌تواند مهارت‌های زندگی عادی مانند گفت‌وگو، حل تعارض، مدیریت زمان و

مسئولیت پذیری—را تضعیف کند و پس از آزادی، تعارض با خانواده و محیط کار را افزایش دهد.

ب)پیامدهای خانوادگی: فقر، فروپاشی روابط و انتقال آسیب به نسل بعد

شاید مهم‌ترین و کم‌دیده‌شده‌ترین آثار زندان، پیامدهایی است که بر خانواده تحمیل می‌شود، خانواده‌ای که غالباً در جرم دخالتی نداشته اما «مجازات اجتماعیِ غیررسمی» را تجربه می‌کند.

الف) فشار اقتصادی و سقوط منزلت اجتماعی

با زندانی‌شدن سرپرست یا یکی از اعضای اصلی خانواده، درآمد کاهش می‌یابد و هزینه‌های جدیدی ایجاد می‌شود: رفت‌وآمد، پیگیری پرونده، هزینه‌های ملاقات، و گاه هزینه‌های درمان و حمایت روانی. مطالعه‌ای درباره پیامدهای زندانی‌شدن بر خانواده‌ها در ایران، طیفی از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی را گزارش می‌کند .

ب) انگ خانوادگی و انزوای اجتماعی

یافته‌های پژوهشی در ایران نشان می‌دهد افزایش انگ با کاهش کیفیت روابط خانوادگی و افزایش نشانه‌های افت سلامت روان در خانواده زندانیان همراه است .این یعنی خانواده، هم از بیرون (نگاه جامعه) و هم از درون (تنش و تعارض) تحت فشار قرار می‌گیرد.

پ) آسیب به کودکان و «انتقال بین‌نسلی» محرومیت

کودکان خانواده زندانی در معرض افت تحصیلی، احساس شرم، قلدری همسالان، و کاهش فرصت‌های رشد قرار می‌گیرند. از منظر جامعه‌شناسی، این وضعیت می‌تواند به انتقال نابرابری

و محرومیت به نسل بعد منجر شود، یعنی زندان به جای «قطع چرخه جرم»، ممکن است به‌صورت غیرمستقیم زمینه‌های آسیب آینده را افزایش دهد.

ج) پیامدهای اجتماعی-اقتصادی: کاهش سرمایه اجتماعی و تشدید نابرابری

الف) گسست پیوندهای اجتماعی و کاهش اعتماد

در جوامعی که شبکه‌های حمایتی محلی و خانوادگی نقش مهمی در کنترل اجتماعی دارند، زندانی‌شدن گسترده می‌تواند این شبکه‌ها را فرسایش دهد. خانواده زندانی از برخی مناسبات اجتماعی کنار گذاشته می‌شود و در نتیجه، پیوندهای اعتماد و همکاری کاهش می‌یابد.

ب) حاشیه‌رانی بازار کار

برچسب کیفری و سابقه زندان، دسترسی به شغل رسمی را دشوار می‌کند. کاهش فرصت‌های اشتغال، فرد را به اقتصاد غیررسمی یا شبکه‌های پرخطر سوق می‌دهد و احتمال بازگشت به جرم را بالا می‌برد. از این رو، زندان می‌تواند به یک عامل تشدیدکننده نابرابری تبدیل شود: گروه‌های محروم، هم بیشتر در معرض ورود به چرخه کیفری‌اند و هم پس از خروج، کمتر فرصت بازیابی دارند.

چ) پیامدهای نهادی: ازدحام، کم‌اثری بازپروری و هزینه‌های عمومی

الف) ازدحام و کاهش کیفیت خدمات اصلاحی

وقتی حبس به واکنش پیش‌فرض تبدیل شود، ظرفیت زندان‌ها و نهادهای حمایتی تحت فشار قرار می‌گیرد. این فشار معمولاً به کاهش کیفیت آموزش، درمان، مشاوره، و برنامه‌های

بازپروری منجر می‌شود، یعنی درست آن چیزی که زندان برای توجیه خود به آن نیاز دارد، تضعیف می‌شود.

ب) هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم برای دولت و جامعه

حبس هزینه‌های سنگین نگهداری، امنیت، سلامت و مدیریت دارد. اما هزینه‌های پنهان مانند افزایش فقر خانوار، افت تحصیلی فرزندان، و کاهش مشارکت اجتماعی گاهی بسیار بیشتر و بلندمدت‌تر است.

پ) چالش اجرای بدیل‌ها در ایران

اگرچه «مجازات‌های جایگزین حبس» در سیاست کیفری ایران مطرح شده، ادبیات پژوهشی به وجود چالش‌های قانونی و اجرایی اشاره می‌کند، از جمله ابهام‌ها یا دشواری‌های مرحله اجرای این مجازات‌ها .بنابراین، مشکل فقط «تصویب» نیست، مسئله اصلی، ظرفیت نهادی و رویه‌ای برای اجرای درست بدیل‌هاست.

ح)پیامدهای سیاستی: بازتولید چرخه جرم و کاهش کارآمدی عدالت

قواعد توکیو سازمان ملل تصریح می‌کند که اقدامات غیرسالب آزادی باید توسعه یابد و ضمانت‌هایی برای جایگزین‌ها وجود داشته باشد تا هم عدالت رعایت شود و هم از آسیب‌های زندان کاسته شود .در منطق سیاست عمومی، اگر زندان باعث افزایش احتمال بازگشت به جرم شود، نظام عدالت کیفری در «چرخه هزینه‌زا» گرفتار می‌شود: حبس بیشتر ← آسیب اجتماعی بیشتر ← جرم بیشتر ← نیاز به حبس بیشتر.

از سوی دیگر، قواعد بانکوک نیز بر ضرورت توجه ویژه به زنان زندانی و توسعه بدیل‌های حبس برای زنان (با توجه به نقش‌های مراقبتی و آسیب‌پذیری‌های خاص) تأکید می‌کند .این موضوع در ایران نیز به دلیل پیامدهای خانوادگی و نقش مادری می‌تواند اهمیت مضاعف داشته باشد.

نتیجه‌گیری

جامعه‌شناختی این مقاله نشان می‌دهد که مجازات حبس در ایران غالباً به پیامدهایی فراتر از هدف رسمیِ کیفر منتهی می‌شود و آثار چندلایه‌ای را بر فرد، خانواده، جامعه و نهادهای عدالت کیفری برجای می‌گذارد. در سطح فردی، زندان با تقویت انگ اجتماعی، افزایش آسیب‌های روانی، شکل‌گیری سازگاری‌های خاصِ محیط بسته (زندان‌پذیری) و کاهش فرصت‌های بازگشت به زندگی عادی همراه است. در سطح خانوادگی نیز حبس می‌تواند با فشارهای اقتصادی، تنش‌های عاطفی، فرسایش پیوندهای خانوادگی و تضعیف سلامت روان اعضای خانواده گره بخورد، یافته‌های پژوهشی داخلی هم مؤید آن است که شدت انگ اجتماعی با افت کیفیت روابط خانوادگی و کاهش سلامت روان نسبت معنادار دارد. در سطح اجتماعی–اقتصادی، گسترش حبس‌محوری به تضعیف سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد و مشارکت، و تعمیق نابرابری‌ها می‌انجامد و در نهایت، در سطح نهادی با ازدحام جمعیت کیفری، کاهش کارآمدی برنامه‌های اصلاح و بازپروری و تحمیل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سنگین بر جامعه همراه می‌شود. بر این اساس، تداوم سیاست کیفریِ مبتنی بر زندان، این خطر را دارد که به جای کاهش پایدار جرم، زمینه‌های اجتماعیِ بازتولید جرم را تقویت کند. بنابراین راهبرد مطلوب، نه حذف کلی زندان، بلکه «کاهش اتکای پیش‌فرض به حبس» و «هدفمندکردن آن» است، به این معنا که حبس عمدتاً به جرائم خشونت‌آمیز و پرخطر محدود

شود و در جرائم کم‌خطر و غیرخشونت‌آمیز، بدیل‌های مؤثر (مانند مجازات‌های غیرسالب آزادی و عدالت ترمیمی) همراه با سازوکارهای جدیِ بازپذیری و حمایت پس از آزادی توسعه یابد، مسیری که با توصیه‌ها و استانداردهای بین‌المللی نیز هم‌راستا است.

پیشنهادهای سیاستی و اجرایی

۱. تفکیک دقیق جرائم و «حبسِ حداقلی» برای جرائم غیرخشونت‌آمیز :کاهش اتکا به زندان در جرائمی که خطر جدی برای جامعه ندارند، با تکیه بر بدیل‌های حبس (خدمات عمومی، پابند الکترونیک، دوره‌های آموزشی/درمانی). (در راستای قواعد توکیو)

۲. تقویت نهادهای حمایتی خانواده زندانیان :حمایت معیشتی و روانی، خدمات مددکاری و مشاوره برای کاهش فروپاشی خانواده و آسیب به کودکان، چون پژوهش‌ها نشان می‌دهد خانواده‌ها به‌طور جدی از انگ و افت سلامت روان متأثر می‌شوند .

۳. برنامه‌های بازپذیری پس از آزادی :(Reentry) اتصال زندانیِ آزادشده به بازار کار، آموزش مهارت، درمان اعتیاد/سلامت روان، و میانجی‌گری اجتماعی برای بازگشت به شبکه‌های سالم.

۴. کاهش انگ از طریق سیاست‌های اجتماعی و رسانه‌ای :تولید روایت‌های واقع‌گرایانه و کاهش برچسب‌زنی، به‌خصوص نسبت به خانواده زندانیان، چون انگ، کیفیت روابط و سلامت روان را تضعیف می‌کند .

۵. توسعه رویکردهای عدالت ترمیمی و میانجی‌گری :برای برخی جرائم (خصوصاً غیرخشونت‌آمیز) امکان ترمیم خسارت، آشتی اجتماعی و کاهش هزینه‌های زندان فراهم می‌شود.

۶. توجه ویژه به زنان و مراقبت‌های وابسته :با الهام از قواعد بانکوک، سیاست‌های بدیل حبس و حمایت‌های جنسیت‌حساس می‌تواند از آسیب به کودکان و خانواده جلوگیری کند .

۷. بهبود کیفیت محیط‌های بازپرورانه در زندان :حتی در مواردی که حبس ضروری است، باید محیط، «بازپرورانه» شود تا آسیب‌های سلامت روان کاهش یابد، گزارش‌های جدید جهانی نیز بر اهمیت محیط‌های rehabilitative تأکید دارند .

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت داده‌های رسمی و قابل دسترس :درباره برخی شاخص‌های دقیق (مثلاً نرخ تکرار جرم یا وضعیت دقیق سلامت روان در زندان‌ها) داده‌های عمومیِ قابل اتکا ممکن است محدود یا ناهمگن باشد. برای توصیف زمینه کمی از منابع بین‌المللی مانند World Prison Brief استفاده شد، اما این منابع نیز خود محدودیت‌هایی در پوشش و به‌روزرسانی دارند .

غلبه رویکرد اسنادی :مقاله مبتنی بر مرور منابع است و داده میدانی جدید تولید نکرده، بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی/کمیِ میدانی در شهرها و استان‌های مختلف انجام شود.

تفاوت‌های منطقه‌ای و طبقاتی :آثار زندان ممکن است در گروه‌های مختلف (طبقات اقتصادی، مناطق شهری/روستایی، زنان/مردان) شدت متفاوتی داشته باشد که نیازمند تحلیل‌های تفکیکی است.

منابع و مآخذ

الف)منابع فارسی

۱. اعظم‌آزاده، منصوره، و مشتاقیان، مرضیه. (۱۳۹۶). داغ ننگ، کیفیت روابط اعضاء خانواده و سلامت روان خانواده زندانیان .*جامعه‌شناسی ایران، ۱۸* (۲)، ۴۴.۶۹–

۲. باقی، عمادالدین، و موسوی، میرطاهر. (۱۳۹۶). پیامدهای زندانی‌شدن بر خانوادهٔ زندانیان .*مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶*(۳)، ۵۱۷ .۵۵۰– https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jisr.۲۰۱۷.۲۱۴۸۹۵.۴۲۹

۳. فیروزیان حاجی، حمیدرضا، حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن، و کلانتری، کیومرث. (۱۴۰۰). چالش‌های ناشی از اجمال قانون مجازات اسلامی در مرحله اجرای مجازات جایگزین حبس .*دیدگاه‌های حقوق قضایی*، (۹۶)، ۴۳.۶۸–

۴. قربانی‌کندسری، مسعود، محمدیان امیری، مهدی، و صیفی‌فر، حمیدرضا. (۱۴۰۲). علل ناکارامدی دو نهاد ترک تعقیب و مجازات‌های جایگزین در راستای اجرای سیاست‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران .*پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای، ۴* (۱۳)، ۷.۱–

۵. میرحسینی، زهرا، و لاریجانی، مهسا. (۱۳۹۷). شناسایی زمینه‌های طراحی مدل بازپذیری اجتماعی موفق زنان مجرم، تبیینی داده‌بنیاد .*زن در توسعه و سیاست، ۱۶* (۱)، ۷۸. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jwdp.۲۰۱۸.۲۴۶۵۰۴.۱۰۰۷۳۱۶۵۱ .–

۶. رضایی‌ورمزیار، حمزه، رضوی‌فرد، بهزاد، و موذن‌زادگان، حسن‌علی. (۱۴۰۳). سیر تحول در مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران با رویکردی بر مبادی فقهی و حقوقی آن. *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، *۱۷* (۳۳)، ۴۱۲.۴۲۹–

ب)منابع خارجی

۱. United Nations Office on Drugs and Crime. (۲۰۲۵). *Prison matters: Global prison population and trends.* UNODC.

۲. Penal Reform International. (۲۰۲۵). *Global prison trends ۲۰۲۵.* Penal Reform International.

۳. Institute for Crime & Justice Policy Research. (n.d.). *Iran — World Prison Brief.* Birkbeck, University of London.

۴. United Nations General Assembly. (۱۹۹۰). *United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures (The Tokyo Rules).* United Nations.

۵. United Nations General Assembly. (۲۰۱۵). *United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (The Nelson Mandela Rules).* United Nations.

۶. United Nations General Assembly. (۲۰۱۰). *United Nations Rules for the Treatment of Women Prisoners and Non-custodial Measures for Women Offenders (The Bangkok Rules).* United Nations.